

اسلام‌پژوهی

شماره سوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، صص ۲۹-۴۸

## بررسی و نقد عمده‌ترین اقوال درباره «صلاة وسطی»

پرویز رستگار\*

### چکیده

تفسیر آیه ۲۳۸ سوره بقره، یکی از بحث برانگیزترین تفسیرها بوده و یافتن مصداق «صلاة وسطی» که عبارتی از آیه مذکور است، استدلال‌های بسیاری را برانگیخته است. در مقاله حاضر، با انگیزه یافتن مصداق «صلاة وسطی» با پرداختن به ده قول عمده عرضه شده، و نیز بیان استدلال هر یک و نقد و بررسی آنها نشان داده می‌شود که هیچ کدام توانایی اثبات خود را ندارد و باب تفسیر این آیه، همچنان گشوده و بحث در باره آن ناتمام است.

واژگان کلیدی: صلاة وسطی، نماز ظهر، نماز عصر.

#### مقدمه

آیه ۲۳۸ سوره بقره (حافظوا علی الصلوات و الصلاة الوسطی و قوموا لله قانتین) همواره یکی از بحث برانگیزترین آیات قرآن کریم در طول تاریخ شکل گیری و گسترش علم تفسیر بوده است. این آیه که در بردارنده فرمان الهی مبنی بر پاسداری از نمازها به ویژه صلاة وسطی است، جالب توجه و تحریک کننده بوده و هست؛ چرا که نماز، مهم ترین عبادت و ستون دین به شمار می رود و برجستگی یک نماز در میان مجموعه این جدی ترین نیایش هر روزه مسلمانان، بی گمان می تواند نکته ای شایسته خواستن، جستجو و دانستن باشد.

با این همه و به رغم چشم داشت طبیعی همه مسلمانان مبنی بر این که سخن از چند و چون این آیه، از آغاز و در ادامه، بی غبار و برکنار از دو دستگی و سرگردانی باشد، تفسیر آن، حکم پانهادن به میدانی پرهیاهو و غرقابی جان ستان به خود گرفته است. به گفته سعید بن مسیب، یاران و همراهان رسول خدا<sup>(ص)</sup> - خود - در تعیین مصداق «صلاة وسطی» هم داستان نبوده اند (ابن جوزی، ۱۴۰۷: ۲۴۸؛ طبری، ۱۴۲۰، ج ۲: ۵۸۱؛ رازی، ۱۳۷۰، ج ۳: ۳۱۵؛ بغوی، ۱۴۰۵: ۳۲۹؛ سیوطی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۷۱۸) و به دنبال آنان، مفسران هم دچار پراکنده گویی ها و درگیری های مناسب با زمینه کار خود شده، فقیهان را نیز که برای تحکیم پایه های اجتهاد خود، در کتاب الصلاة ناگزیر از درنگ در تفسیر این آیه اند، به دنبال خود به وادی بی کرانه تشاجر ها و تنازع های فقهی کشاندند (ابن ادریس حلی، ۱۴۰۹: ۸۸، رازی، همان و بغوی، همان).

ابن جوزی شمار آرای عنوان شده برای یافتن مصداق «صلاة وسطی» را پنج (همان) و ابن عربی مالکی آن را در احکام القرآن هفت تا می داند (ابن عربی، بی تا، ج ۱: ۲۲۵). قرطبی (بی تا، ج ۳: ۲۰۹) عدد ده، سیوطی (بی تا: ۴۳) عدد چهارده، شوکانی (۱۴۱۹: ۳۹۹-۴۰۰) عدد هفده، مغنیه (۱۹۶۸، ج ۱: ۳۶۷) - بدون مراجعه به کتاب «سبل الاوطار» و تنها به عنوان نقل از شوکانی - عدد هجده، قسطلانی (بی تا، ج ۱: ۱۱۴) عدد نوزده، ابن عاشور (بی تا، ج ۲: ۴۶۷) عدد بیست و چند و سرانجام، قاسمی (۱۳۹۸، ج ۳: ۲۸۶) عدد چهل و چند را یاد آور شده است.

خازن (بی تا، ج ۱: ۱۸۰) فصلی را برای بیان اختلاف علما در تعیین مصداق «صلاة

\_\_\_\_\_ بررسی و نقد عمده‌ترین اقوال درباره «صلاة وسطی» / ۳۱

وسطی» گشوده است و دمیاطی کتابی در این باره نوشته که به گفته شاکرشد، ابوحیان اندلسی (۱۴۲۰، ج ۲: ۵۴۶)، کتاب *کشف المغطی فی تبیین الصلاة الوسطی* و به گزارش قسطلانی (*المواهب اللدنیه*، همان)، *کشف المغطی عن الصلاة الوسطی* نام دارد. ما در اینجا، به مهم‌ترین اقوال عرضه شده برای کشف مصداق «صلاة وسطی» می‌پردازیم و به عمده‌ترین استدلال هر یک از آنها نیز اشاره‌ای گذارا می‌کنیم:

۱. «صلاة وسطی»، نماز صبح است (ابن جوزی، همان: ۲۴۹؛ طبری، همان: ۵۷۹ - ۵۸۱؛ طوسی، بی‌تا، ج ۲: ۲۷۵ و ۱۴۰۷، ج ۱: ۲۹۴؛ اسفراینی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۶۰؛ ابن‌ادریس‌حلی، همان؛ رازی، همان: ۳۱۵-۳۱۶؛ طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۲: ۱۲۷؛ طباطبایی، ۱۴۱۴؛ شافعی، ۱۴۰۰: ۵۹-۶۰، ۱۳۲؛ زمخشری، بی‌تا: ۲۸۸؛ بغوی، همان؛ فخررازی، ۱۴۱۵: ۴۸۴؛ مالک بن‌انس، ۱۴۰۶: ۱۳۹؛ شافعی، همان و...).

ادله این ادعا: با عنایت به دو معنا از سه معنای صفت «وسطی»، «صلاة وسطی» باید نمازی باشد که یا به لحاظ جای قرار گرفتن و موقعیت به جای آوردنش، وسط و میان دیگر نمازها به شمار می‌رود (ابن جوزی؛ همان، زمخشری، همان، ۲۸۷) و یا باید نمازی باشد که از دیگر نمازها، ارزشمندتر و حیاتی‌تر است (ابن جوزی، همان، زمخشری، همان) و نماز صبح، این هر دو ویژگی را در خود دارد، زیرا از یک سو وسط شب و روز قرار دارد (ابن جوزی، همان: ۲۵۰)، میان تاریکی و روشنایی است (رازی، همان: ۳۱۵؛ طوسی، بی‌تا، همان: ۲۷۶) و از یک طرف، میان مغرب و عشا و از طرف دیگر، میان ظهر و عصر جای گرفته است (طبری، همان: ۵۸۰، رازی؛ همان).

از سوی دیگر، برخلاف دیگر نمازهای روزانه، به تنهایی خوانده می‌شود و چون ظهر و عصر یا مغرب و عشا نیست که همراه هم به جای آورده شوند (طوسی، بی‌تا، همان؛ رازی، همان). افزون بر این نماز صبح بیش از هر نماز دیگری در طول روز، از دست می‌رود و خداوند خواهان توجه بیشتر مسلمانان به این نماز و اهتمام آنان به دوری از هر گونه سستی و تنبلی در مسیر برپا کردن آن است (رازی، همان)، بماند که ذیل آیه ۲۳۸ سوره بقره (وقوموا لله قانتین) به «قنوت» فرمان می‌دهد که همان طول قیام است و تنها نماز صبح است که به طول قیام و خواندن قنوت پیش از رکوع رکعت دوم اختصاص یافته است. فرشتگان شب و روز، هنگام بر پا شدن این نماز، گواه آن می‌شوند

و به همین دلیل، هم در دیوان شب و هم در دیوان روز، ثبتش می‌کنند (بغوی، همان).

۲. «صلاة وسطی»، نماز ظهر است (عیاشی، ۱۴۶-۱۴۷؛ ابن جوزی، همان: ۲۴۹؛ طبرسی، همان: ۵۷۶ - ۵۷۷؛ اسفراینی، همان؛ طوسی، بی‌تا، همان: ۲۷۵ و ۱۴۰۷، همان؛ ابن‌ادریس‌حلی، همان؛ رازی، همان: ۳۱۶؛ طبرسی، ۱۴۱۵، همان و ۱۴۱۴؛ همان؛ زمخشری، همان: ۲۸۸؛ فخررازی، همان: ۴۸۵؛ مالک بن‌انس، همان).

ادله این ادعا: براساس دو معنای پیش گفته واژه «وسطی»، باید نماز ظهر مصداق «صلاة وسطی» باشد، زیرا از یک سو میان دو نماز صبح و عصر (عیاشی، همان: ۱۴۶) و وسط روز قرار دارد (ابن جوزی، همان: ۲۵۰؛ طوسی، همان؛ ابن‌ادریس‌حلی، همان: ۸۹) و پیش از آن، دو نماز و پس از آن هم دو نماز خوانده می‌شود (طبرسی، همان: ۵۷۷). از سوی دیگر، «صلاة وسطی» نخستین نمازی است که رسول خدا آن را خواند (عیاشی، همان) و نماز ظهر نیز اولین نمازی است که خواندنش بر مسلمانان واجب شد (طوسی، همان؛ ابن‌ادریس‌حلی، همان؛ رازی، همان: ۳۱۶-۳۱۷). همچنین، آیه‌ی مربوط به «صلاة وسطی» در روز جمعه که رسول خدا<sup>(ص)</sup> در حال سفر بود، نازل شد. آن حضرت به منظور بر پا داشتن این نماز، قنوت خواند و آن را در سفر و حضر، به حال خود - یعنی شامل دو رکعت - رها فرمود و در برابر، برای مقیم دو رکعت دیگر افزود که قائم مقام دو خطبه نماز جمعه‌اند. از این رو، هر کس آن را بدون جماعت بخواند، باید مانند نماز ظهر، چهار رکعتی‌اش برپا دارد (عیاشی، همان: ۱۴۶-۱۴۷). در واقع، نماز پر اهمیت آدینه، همان نماز ظهر است که به شکل خاص و طرزی ویژه خوانده می‌شود (رازی، همان: ۳۱۷).

طرفداران این قول، به دو دسته روایات نیز دست یازیده‌اند: روایاتی که بدون تطبیق «صلاة وسطی» بر نماز ظهر، صرفاً بیانگر اهمیت این نماز هستند (طبرسی، همان: ۵۷۷ - ۵۷۸؛ رازی، همان: ۳۱۶؛ بغوی، همان؛ زمخشری، همان؛ طبرسی، بی‌تا، همان: ۱۲۶) و آنها که رسماً نماز ظهر را مصداق «صلاة وسطی» معرفی می‌کنند (ابن‌جوری، همان: ۲۴۱؛ عیاشی، همان؛ طبرسی، همان: ۵۷۶-۵۷۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۹: ۲۸۲-۲۸۳ و ۲۸۸-۲۹۱ و ج ۸۶: ۱۹۴-۱۹۵؛ کلینی، ۱۴۰۶، ج ۳: ۲۷۱؛ طوسی، ۱۴۰۶، ج ۲: ۲۴۱؛ صدوق، بی‌تا، ج ۱: ۱۹۶).

۳. «صلاة وسطی» نماز عصر است (حسن بصری، بی‌تا، ج ۱: ۱۷۸-۱۸۰؛ ابن جوزی، همان: ۵۷۶-۵۶۹؛ اسفرائینی، همان؛ طوسی، بی‌تا، همان و ۱۴۰۷، همان: ۲۹۵؛ ابن‌ادریس حلی، همان: ۸۸؛ رازی، همان: ۳۱۷؛ طبرسی، ۱۴۱۵، همان: ۱۲۷ و ۱۴۱۴، همان؛ زمخشری، همان: ۲۸۷؛ بغوی، همان؛ فخررازی، همان: ۴۸۶).

ادله این ادعا: براساس دو معنای پیش گفته‌ی واژه «وسطی»، باید نماز عصر مصداق «صلاة وسطی» باشد؛ زیرا از یک سو پیش از آن، دو نماز در روز و پس از آن نیز دو نماز در شب قرار دارد (ابن جوزی، همان: ۲۵۰ و طبرسی، همان: ۵۸۳) و بدین ترتیب، وسط دو نماز روز و دو نماز شب جا گرفته است (طوسی، بی‌تا، همان؛ ابن‌ادریس حلی، همان: ۸۹). از سوی دیگر، از آن جا که نماز عصر هنگامی باید بر پا شود که غالب مردم، سرگرم پرداختن به کارهای روزمره زندگی بویژه تجارت و کسب و کار هستند، اهمیت خاصی دارد (طوسی، التبیان، همان؛ ابن‌ادریس حلی، همان؛ طبرسی، ۱۴۱۵، همان و زمخشری، همان: ۲۸۸).

هواداران این ادعا نیز به دو دسته روایات دست یازیده‌اند: روایاتی که بدون تطبیق «صلاة وسطی» بر نماز عصر، تنها بیانگر اهمیت این نماز هستند (طبرسی، همان؛ بغوی، همان: ۳۳۰؛ طبرسی، همان: ۵۸۱-۵۸۲) و آنها که رسماً نماز عصر را مصداق «صلاة وسطی» معرفی می‌کنند (طبرسی، همان: ۵۶۹-۵۷۶؛ رازی، همان: ۳۱۷-۳۱۸؛ بغوی، همان؛ مسلم بن الحجاج، ۱۳۹۸؛ ۴۳۶-۴۳۸؛ نووی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۱۳۲-۱۳۷).

۴. «صلاة وسطی»، نماز مغرب است (ابن جوزی، همان: ۲۴۹؛ طبرسی، همان: ۵۷۹؛ اسفرائینی، همان: ۲۶۱؛ طوسی، بی‌تا، همان؛ ابن‌ادریس حلی، همان: ۸۸؛ رازی، همان: ۳۱۸؛ طبرسی، ۱۴۱۵، همان؛ زمخشری، همان؛ بغوی، همان؛ فخررازی، همان: ۴۸۷).

ادله این قول: براساس دو معنای پیش گفته‌ی واژه «وسطی»، باید نماز مغرب مصداق «صلاة وسطی» باشد، زیرا از یک سو با عنایت به این که نماز ظهر، نخستین نمازی است که بر مسلمانان واجب شده (ظهر، عصر، مغرب، عشاء، صبح)، این نماز در وسط قرار می‌گیرد (ابن جوزی، همان: ۲۵۰) و از سوی دیگر، روایاتی داریم که بر اهمیت نماز مغرب تأکید می‌کنند (رازی، همان؛ طبرسی، همان).

افزون بر این، برای واژه «وسطی»، معنای سومی هم یادآوری کرده‌اند: «میان‌ه بودن به لحاظ مقدار و کمیت» (ابن جوزی، همان: ۲۴۹) با توجه به این مفهوم نیز تنها نماز مغرب است که می‌تواند مصداق «صلاة وسطی» باشد، زیرا سه رکعتی و حد فاصل و میانگین عدد رکعات نمازهای ظهر، عصر، عشا، (۴) و عدد رکعات نماز صبح (۲) است ( $\frac{4+2}{2} = 3$ ) و در سفرها نیز شکسته و کم نمی‌شود (ابن جوزی، همان، ۲۵۰؛ طبرسی، همان؛ رازی، همان؛ طوسی، همان).

۵. «صلاة وسطی» نماز عشاء است (ابن جوزی، همان: ۲۴۹؛ اسفراینی، همان؛ رازی، همان؛ طبرسی، ۱۴۱۵، همان؛ بغوی، همان؛ فخررازی، همان).

ادله این ادعا: براساس دو معنای نخست واژه «وسطی» باید نماز عشا، مصداق «صلاة وسطی» باشد، زیرا از یک سو، وسط دو نماز مغرب و صبح قرار دارد که هیچ کدام در سفر، شکسته و کم نمی‌شود (رازی، همان؛ بغوی، همان؛ ابن جوزی، همان، ۲۵۰) و از سوی دیگر، روایاتی داریم که بر اهمیت نماز تأکید می‌ورزند (رازی، همان، ۳۱۹؛ طبرسی، همان).

۶. «صلاة وسطی» در روز جمعه، همان نماز جمعه و در دیگر روزهای هفته، نماز ظهر است. طبرسی (همان) و فاضل مقداد (۱۴۱۹، ج ۱: ۱۰۹) برخی از پیشوایان زیدی مذهب را طرفدار این قول دانسته‌اند، اما شبر (۱۴۱۴: ۷۹) و سبزواری (۱۴۰۲، ج ۱: ۲۹۹) با به کار بردن تعبیر «عندنا»، آن را باور اجماعی شیعه امامیه نیز دانسته‌اند. این قول که در واقع به همان قول دوم باز می‌گردد، افزون بر اجماع یاد شده، مستند به برخی روایات نیز هست (فیض کاشانی، ۱۴۱۸: ۱۱۳، بی‌تا، ج ۱: ۲۴۷؛ طبرسی، همان؛ حر عاملی، ۱۴۰۲، ج ۳: ۱۵؛ مجلسی، ۷۹: ۲۸۸).

۷. «صلاة وسطی»، مجموع نمازهای پنج‌گانه روزانه است، زیرا این دسته اعمال عبادی، حد وسط عبادات و طاعات‌اند؛ چرا که ایمان، هفتاد و چند درجه است، بالاترین سطحش، شهادت به توحید و پایین‌ترین رتبه‌اش، برداشتن و دور کردن اشیای آزاردهنده مردم از سر راه آنان است و نمازهای پنج‌گانه هر روز، مرز میانۀ این دو سوی بالا و پایین ایمان‌اند (فخررازی، همان: ۴۸۴).

۸. «صلاة وسطی»، نماز جماعت است که در دین اسلام، اهمیت ویژه‌ای دارد و با معنای

دوم واژه «وسطی» نیز متناسب و هماهنگ است. طوسی (بی‌تا، همان) و ابن‌ادریس حلی (همان: ۸۸-۸۹) این ادعا را به حسین‌بن‌علی مغربی نسبت داده و سپس، افزوده‌اند: هیچ مفسری این قول را نپذیرفته است!

۹. «صلاة‌وسطی» یکی از نمازهای پنج‌گانه هر روز است، بی‌آنکه معین شده باشد (طبرسی، همان، ۱۲۸؛ بغوی، همان؛ فخررازی، همان: ۴۸۳).

حکمت پنهان ماندن این نماز، آن است که مسلمانان از نکوداشت هیچ نمازی غفلت نوزند و همگی را مهم تلقی کرده، به کمال و تمام ادا کنند. چنین برداشتی با معنای دوم واژه «وسطی» نیز هماهنگ است (اسفراینی، همان؛ رازی، همان؛ طبرسی، ۱۴۱۵، همان؛ بغوی، همان؛ ابن‌عربی‌مالکی، همان؛ فخررازی، همان؛ یزدی، ۱۳۷۴: ۷۷).

۱۰. «صلاة‌وسطی»، اساساً به هیچ یک از پنج‌گانه روزانه، اشاره‌ای ندارد، بلکه بیانگر وصف و ویژگی مطلوب خداوند به هنگام خواندن نمازهاست، یعنی در نگاه خدای متعال، ارزشمندترین نماز آن است که با حضور قلب و خشوع به جا آورده شود و از سنخ نماز ریاکاران و غفلت‌پیشگان نباشد. چنین ادعایی با معنای دوم واژه «وسطی» نیز هماهنگ است. رشیدرضا (بی‌تا، ج ۲: ۴۳۸) این برداشت را از استاد خود، محمدعبده نقل کرده و هم از زبان او افزوده است: اما چه می‌توان کرد که همگان بر این نکته اتفاق نظر دارند که «صلاة‌وسطی»، یکی از نمازهای پنج‌گانه هر روز است و باید به ذات نماز اشاره داشته باشد نه به وصفش.

مغنیه (همان: ۳۶۷-۳۶۸) پس از نقل این سخن عبده، آن را بهترین تفسیر آیه می‌داند، اما به خطا سخن او را چنین می‌فهمد که عبده معتقد است مراد از «صلاة‌وسطی»، به نحو عام مجموعی، هر پنج نماز روزانه است، با آن که اندکی پیش از این گفتیم که او «الصلوات» در آیه مورد بحث را اشاره به ذات نمازها و «الصلاة‌الوسطی» را اشاره به وصف آنها می‌داند. در واقع، آنچه مغنیه برداشت کرده، به سخن قاسمی (همان: ۲۸۷) نزدیک‌تر و با آن، هماهنگ‌تر است، هر چند ابن‌کثیر (۱۴۰۷، ج ۱: ۳۰۱) ضمن اعتراف به وجود درگیری از عصر صحابه تا عصر خود (قرن هشتم هجری قمری) درباره تعیین مصداق «صلاة‌وسطی» از چنین ادعایی شگفت زده می‌شود؛ زیرا از هیچ آیه و روایتی، چنین قولی بر نمی‌آید!

هواداران اقوال یادشده، افزون بر تأیید و تحکیم رأی برگزیده خود، به نقد، تضعیف و مردود شمردن ادعاهای دیگران هم پرداخته و مجموعه‌ای دراز دامن از نقض و ابرام‌های متنوع، متعدد، حیرت‌افزا و سردرگم‌کننده را شکل داده‌اند. طبری (همان) «تظاهر اخبار» - البته به سلیقه اهل سنت - را دلیل مصداقیت نماز عصر و اثبات آن می‌داند، اما (شوکانی، بی‌تا، ج ۱: ۲۵۶) در کنار فرموده رسول خدا (ص)، سخنان صحابه و دیگران را که از قضا، ناهمگون و متعارض هم هستند، قابل اعتنا نمی‌داند.

طباطبائی (۱۴۱۵، ج ۲: ۲۴۶) راه حل مشکل را مراجعه به سنت می‌داند، اما در ادامه تفسیر آیه مورد بحث، در بخش بحث روایی خود، از حل مشکل به کمک سنت باز می‌ماند؛ چرا که به گمان وی، روایات شیعی به لحاظ سند، مقطوع و به لحاظ متن، مشوش و «غیر واضحه الانطباق علی‌الآیه» و روایات اهل سنت هم که بنا بر گزارش سیوطی در «لدرالمنثور»، به پنجاه و چند روایت می‌رسند، با هم درگیر و ناهمخوان‌اند (همان، ۲۶۰-۲۵۸).

طوسی (۱۴۰۷، همان؛ حلی، ۱۴۱۴، ج ۲: ۶۱؛ مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۴: ۲۷۹) اجماع شیعه را دلیل مصداقیت نماز ظهر دانسته و سیدمرتضی (۱: ۲۷۵؛ حلی، همان، ۶۲؛ مجلسی، همان) اجماع شیعه را دلیل مصداقیت نماز عصر!

حلی (مختلف‌الشیعه، همان) با این بهانه که بحث از تعیین مصداق «صلاة‌وسطی»، پیوستگی چندانی با احکام نماز ندارد، خود را از ورود به این هیاهوی ظاهراً بی‌سرانجام رهانیده است و بلاغی (بی‌تا، ۱: ۲۱۶) اضطراب و تعارض روایات گرد آمده در «لدرالمنثور» را ترسناک دانسته؛ زیرا حتی گاه روایات منقول از یک نفر هم با هم ناسازگارند. مدرسی (۱۴۰۶، ج ۱: ۴۱۴) نیز «صلاة‌وسطی» را بر نماز ظهر، تطبیق کرده است<sup>(۱)</sup>.

باید دانست مشکل مشترک همه آرای که تاکنون یاد کردیم و از قضا، عمده‌ترین اقوال مطرح در این بحث نیز به شمار می‌روند، آن است که همگی متکی بر اجتهاد و برداشت شخصی گویندگان خود است. طرفداران این ادعاها - از آنجا که عطف «الصلاة‌الوسطی» بر «الصلوات» در آیه مورد بحث، مصداق عطف خاص بر عام و ذکر عام و نشانه تأکید بر روی معطوف و اهمیت آن است (ابن‌جوری، همان: ۲۴۸؛ رازی، همان؛



طبرسی، همان؛ ۱۴۱۴، همان؛ زمخشری، همان؛ ۲۸۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، همان؛ ۲۷۸) — در صدد برآمده‌اند یا با اتکا به یکی از سه معنای واژه «وسطی» (= با اهمیت‌تر، حیاتی‌تر) و یا با اتکا بر روایات، احتمال برگزیده خود را — جز قول هفتم که بر معنای دیگری از واژه «وسطی» متکی است — همان مراد خدای متعال و مصداق «صلاة‌وسطی» معرفی کنند، با آن که:

الف) اینها — همگی — تلاش‌های هر چند مشکوری‌اند که نمی‌توانند برای اثبات مدعا، کافی باشند و تنها جنبه حدس و گمان و تخمین دارند (شوکانی، بی‌تا، همان؛ ۲۵۷).  
ب) به نظر صاحب این قلم، به فرض کارگشا بودن این اجتهادها، تعارض و درگیری آنها با همدیگر، همگی را تحت پوشش قرار داده، از کار می‌اندازد؛ چرا که به گفته ابن جوزی (همان؛ ۲۵۰)، هنرهایی‌اند که از دست همه طرفداران هر یک از اقوال یاد شده، برمی‌آید!

ج) روایات متوالی بیان اهمیت هر یک از نمازهای پنج‌گانه روزانه نیز الزاماً نمی‌تواند دلیل مصداقیت هیچ یک از آنان، برای «صلاة‌وسطی» باشند (ابوحیان اندلسی، همان).

د) از نظر نگارنده در اینجا نیز چون مورد پیشین، اشکال تعارض و تضاد اخبار پیش می‌آید و فرصت اعتماد و دل بستن به هر یک از آنها را از آدمی باز می‌ستاند.

مشکل مشترک پنج قول نخست — افزون بر آنچه تاکنون گفتیم — اتکای هر یک از آنها بر اجتهاد دیگری براساس معنای دوم واژه «وسطی» (= میان دو چیز قرار گرفتن) است؛ اجتهادی که: اولاً، تنها بیش از یک حدس و تخمین نیست و استحسانی به شمار می‌رود که از اثبات مدعا، ناتوان است. ثانیاً، اجتهادات طرفداران هر یک از این اقوال براساس این معنا، در اصطکاک و درگیری با هم و طبعاً در مقام خنثی سازی یکدیگر قرار دارند. ثالثاً، اصولاً برخی از مفسران، براساس یک نکته نحوی که در بحث «افعل» تفضیل مطرح است، معنای «میان دو چیز قرار گرفتن» را قابل تفضیل و ریختن در قالب «افعل» (= اوسط) و «فعلی» (= وسطی) نمی‌دانند و بر این اساس نتیجه می‌گیرند: حال که واژه «وسطی» در ادب عرب و آیه مورد بحث، در قالب «فعلی» ریخته شده، پس — ناگزیر — نمی‌تواند معنایش، «میان دو چیز قرار گرفتن» باشد (ابوحیان اندلسی، همان؛ جمل، همان).

قول چهارم، افزون بر مبتنی بودن بر اجتهادی وابسته به دو معنای واژه «وسطی»،

مشکل تأکید همین گمانه زنی به کمک اجتهادی دیگر - متکی بر معنای سوم واژه یاد شده - را نیز با خود دارد که تلاشی مضاعف است؛ اما برای اثبات مدعا کارگشا و چاره‌ساز نیست!

ادعای پنجم افزون بر نارسایی‌های پیش گفته، سخنی است که به گفته بغوی (همان) در میان علمای سلف، پیشینه‌ای نداشته است و تنها برخی از متأخران، از آن یاد کرده‌اند.

مدعای ششم نیز به ادعای دوم باز می‌گردد و در سود و زیان و قوت و ضعف، با آن شریک و مشترک است؛ چرا که به گفته مجلسی (۱۴۰۳، همان: ۲۸۴) نماز جمعه، زیر مجموعه نماز ظهر و در ردیف آن بوده، بر پا داشتن نماز جمعه، در حکم خواندن نماز ظهر است.

قول هفتم نیز تنها یک استحسان ناکافی برای اثبات مقصود را با خود دارد و افزون بر این، با دیگر اجتهادهای متعدد و متنوع پیش گفته، سازگار نیست.

ادعای هشتم، اجتهادی است که تنها حسین بن علی مغربی مطرح کرده و هیچ مفسری آن را نپذیرفته است. البته، شخص نامبرده، بیش و پیش از آنکه فقیه یا مفسر باشد، ادیب و سیاستمدار بود (امین، ۱۴۰۳، ج ۶: ۱۱۱ و ذهبی، ۱۴۰۶، ج ۱۷: ۳۹۴).

مدعای نهم نیز اجتهادی است متکی بر یک حکمت که پرداخته ذهن طرفداران این قول است. در نقد و طرد این ادعا، سخن ابن‌عاشور (همان: ۴۶۹) شنیدنی است که مبهم بودن نمازی که باید مصداق «صلاة وسطی» باشد، سخنی گزاف است؛ زیرا در آیه مورد بحث، هم «صلاة» و هم «وسطی» با «ال» به کار رفته و هر دو معرفه‌اند. آنگاه چگونه می‌تواند مجموع دو اسم معرفه، مبهم و نامفهوم باشد؟! وی (همان) همچنین توجیه این ابهام را به بهانه قیاسش با ابهام شب قدر و ساعتی از روز جمعه که دعا در آن مستجاب است، نمی‌پذیرد؛ زیرا اولاً ابهام این دو مقیس علیه، مستند به اخبار است - نه اجتهاد این و آن - و ثانیاً خود این روایات هم از آن دو مقیس علیه، به گونه‌ای مبهم - نه معرفه و با «ال» - یاد کرده‌اند.

ادعای دهم که شناخته شده‌ترین پرچمدارش، شیخ محمدعبده است، هر چند به گفته شاگردش، رشیدرضا (همان)، با هیچ نص صریحی در میان احادیث مرفوعه منافاتی ندارد، به اعتراف خود عبده (رشیدرضا، همان) با این برداشت دسته جمعی و بی‌استثنای

مفسران، در اصطکاک است که «صلاة وسطی» یکی از نمازهای پنج‌گانه روزانه است و اشاره به ذات نه صفت آن نماز دارد.

به گمان نگارنده، دغدغه عبده برای کیفیت بخشی به نمازها که تشویشی بجا و ستودنی است و شاید هم به همین لحاظ، ادعایش با ستایش مغنیه (همان: ۳۶۸) روبه‌رو شده، در انتهای آیه مورد بحث و در کلام خدای متعال، تأمین شده است؛ چه، فرمان الهی به محافظت بر همه نمازها - به ویژه، «صلاة وسطی» - با فرمان دیگر خداوند مبنی بر قیام متواضعانه و آکنده از خشوع و اخلاص برای حضرت حق، همراه است. صدر آیه به ذات نمازها و ذیل آن به صفت و کیفیت آنها اشاره دارد و نیازی نیست وصف مطلوب، صرفاً از ترکیب «صلاة وسطی» استخراج و استظهار شود.

مهم‌ترین و قابل اعتمادترین دلیلی که در این میان به چشم می‌خورد، احادیث و آثاری‌اند که به تعیین مصداق «صلاة وسطی» پرداخته و مستندات و روای اجتهادهای شخصی و استحسان‌های فردی‌اند. این دسته از ادله، بر دو دسته‌اند:

۱. روایات پذیرفته شده از سوی شیعه که همگی از زبان معصومان<sup>(ع)</sup> نقل شده‌اند و برخلاف موارد مشابه، به گونه‌ای شگفت‌آور در این مورد، هماهنگ و هم‌صدایند و با هم هیچ تعارضی ندارند. نکته‌ای که از دید طباطبائی (همان: ۲۵۸) و ابن‌طاووس (۱۴۲۱: ۲۶۳) نیز پنهان نمانده است. این قبیل روایات، تنها نماز ظهر را مصداق «صلاة وسطی» دانسته‌اند، اما به نکات جانبی که توضیح بیشتری را با خود داشته باشند، هیچ نپرداخته‌اند. البته ناگفته نماند، مجلسی که طرفدار مصداقیت نماز ظهر است، تنها یک حدیث نبوی را در باب «علل الصلاة» و در مقام شرح وقت نماز عصر یادآور می‌شود (۱۴۰۳، همان: ۲۵۳) که از آن، بوی مخالفت با احادیث یاد شده و تعیین نماز عصر به عنوان مصداق «صلاة وسطی» بر می‌آید.

۲. روایات پذیرفته شده از سوی اهل سنت که خود بر دو دسته‌اند: احادیث نبوی و آثار و اقوال صحابه. همین جاست که اختلاف هراس‌انگیز و وحشتناک روایات، پیش می‌آید. به خاطر همین وضعیت نابه‌هنجار، ابوحنیفه اندلسی (همان) معتقد است برای حل مشکل، تنها باید به سخن رسول خدا<sup>(ص)</sup> تکیه کرد و شوکانی (بی‌تا، همان: ۲۵۶)، ضمن اعتراف به همین نکته، آثار مرویه از صحابه را برای چاره‌سازی و کارگشایی در

این باره، به هیچ می‌انگارد، به ویژه اگر در تعارض با حدیث رسول خدا<sup>(ص)</sup> باشند (همان)؛ اما این عاشور که طرفدار مصداقیت نماز صبح است، ضمن تحلیل از چگونگی اختلاف صحابه در کار تعیین مصداق «صلاة وسطی» (همان) اقوال منقول از صحابه را نیز از ادله مورد اعتماد و کارگشا در این زمینه می‌داند (همان: ۴۶۵).

شوکانی که طرفدار جدی مصداقیت نماز عصر برای «صلاة وسطی» است و پذیرش این ادعا را برای اهل انصاف و انسان‌های رها شده از بند تقلید و عصبیت و ماهر در کار نقد ادله، گریزناپذیر و بی‌شک و شبهه می‌شمارد (۱۴۱۹، همان: ۴۰۱)، حدیثی را که علی<sup>(ع)</sup> از رسول خدا<sup>(ص)</sup> در یکی از روزهای نبرد خندق گزارش کرده است، مهم‌ترین دلیل اثبات مدعای خود می‌داند. بر اساس این روایت، آن حضرت فرمود: «شغلوناعن الصلاة الوسطی صلاة العصر ملائله قیورهم وأجوافهم ناراً» و طبیعی است که براساس این روایت که مسلم‌بن‌الحجاج (همان: ۴۳۷)، سجستانی (همان) و دیگران با اندک اختلاف‌هایی در تعبیر، نقل کرده‌اند، «صلاة العصر» بدل «الصلاة الوسطی» و بیانگر مصداق آن است.

اما کار به همین جا ختم نمی‌شود؛ از عایشه - گاه با استناد به رسول خدا<sup>(ص)</sup> و به اصطلاح، موصولاً و گاه بدون استناد به آن حضرت و به اصطلاح، موقوفاً - و نیز گاهی بدون نام بردن از او، روایاتی نقل کرده‌اند که وی هنگام نگارش مصحف خود، به کاتب خویش فرمان داد، آیه مورد بحث را چنین ثبت کند: «حافظوا علی الصلوات والصلوة الوسطی و صلاة العصر...» (مالک‌بن‌انس، همان: ۱۳۸-۱۳۹؛ طبرسی، همان: ۵۷۰ و ۵۷۸-۵۷۹؛ زمخشری، همان؛ ابن‌ابی‌داود: ۹۴-۹۵ و حسن بصری: ۱۸۱). نظیر همین ماجرا درباره مصحف همسر امام حسن مجتبی<sup>(ع)</sup> و دو تن دیگر از همسران رسول خدا<sup>(ص)</sup>، حفصه و ام‌سلمه، نیز تکرار شده است (ابن‌ابی‌داود: ۹۵-۹۸ و مجلسی، ۱۴۰۳، همان: ۲۸۹ - ۲۹۰). در این دسته روایات، چون «صلاة العصر» بر «الصلاة الوسطی» عطف شده و حتی طرفداران مصداقیت نماز عصر نیز، معترفند که قاعده اولیه در حرف عطف «واو»، عطف مغایر است (شوکانی، بی‌تا، همان: ۲۵۷؛ ابن‌کثیر، همان: ۳۰۰)، بنابراین باید «صلاة وسطی»، چیزی غیر از نماز عصر باشد.

شوکانی (۱۴۱۹، همانجا) این دلیل را مهم‌ترین عذر کسانی می‌داند که مخالف

مصدقیت نماز عصرند؛ چنان که ابن‌عاشور (همان) نیز معتقد است به لحاظ آثار و روایات (البته در نگاه اهل سنت) تنها نمازهای صبح و عصر می‌توانند مصداق «صلاة وسطی» باشند. با استناد به روایات مصحف عایشه، حفصه و ام‌سلمه نماز عصر را مغایر با دانسته، نتیجه می‌گیرد: پس نماز صبح است که همان «صلاة وسطی» است.

شوکانی برای نقض این ایراد مهم که گاه به سخن رسول خدا<sup>(ص)</sup> نیز باز می‌گردد، از یک سو درصدد بر می‌آید با استناد به شواهدی در آیات قرآن کریم و سخنان پیشوایان علم نحو، حرف «واو» را در آن سری احادیث یاد شده، خارج از ضابطه کلیه و اصل اولی خود بداند و آن را یا زائد و یا از باب عطف یک صفت بر دیگری به شمار آورد (همان: ۴۰۶، نیز نک: ابن‌کثیر، همان)؛ زیرا برای توجیه و پذیرفتن احادیث صحیح‌ای که نماز عصر را مصداق «صلاة وسطی» معرفی می‌کنند، چاره‌ای جز این تأویل و تصرف نداریم!! (همان: ۴۰۷). وی از سوی دیگر، این دسته روایات را با روایاتی دیگر از همسران یاد شده رسول خدا<sup>(ص)</sup> که یا حرف «واو» در آنها افتاده است و یا رسماً «صلاة وسطی» را به نماز عصر تفسیر می‌کنند، معارض می‌داند (بی‌تا، همان، نیز نک: ابن‌ابی‌داود ۹۸؛ طبرسی، همان، ۵۷۱؛ زمخشری، همان) و می‌افزاید: چون اصل در تعارض، تساقط است، باید هر دو دسته روایات مربوط به مصاحف همسران رسول خدا<sup>(ص)</sup> را نایده گرفت و به احادیث صحیح آن حضرت که بدون معارض و عاری از حرف «واو» میان «صلاة وسطی» و «صلاة العصر» هستند، مراجعه کرد (بی‌تا، همان).

این چاره‌اندیشی شوکانی با مخالفت دو دسته روبه‌رو شده است:

۱. آن دسته از مفسران و فقهای اهل سنت که طرفدار مصداقیت نماز صبح‌اند، با استناد به آن دسته روایات مصحف عائشه که مشتمل بر حرف «واو» است، بردلالت این حرف عطف بر تغایر معطوف و معطوف‌علیه در آیه مورد بحث، پافشاری می‌کنند (ابن‌عاشور، همان و ابن‌عربی‌مالکی، همان: ۲۲۶-۲۲۵) و نیز واژه «وسطی» را در روایت علی<sup>(ع)</sup> از رسول خدا<sup>(ص)</sup> که شوکانی آن را مرجع و یگانه روایت مورد قبول در این بحث دانسته، قابل توجیه می‌دانند (ابن‌عربی‌مالکی، همان: ۲۲۶).

۲. مفسران و فقهای شیعی نیز خروج حرف عطف «واو» را از چارچوب ضابط کلی خود که همان عطف مغایر بر مغایر است، رد می‌کنند و آن را تا دلیلی قانع‌کننده نداشته

باشد، نمی پذیرد (حلی، ۱۴۲۰، همان: ۱۵۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، همان: ۲۷۹). صدوق (۱۴۱۰: ۳۳۲) نیز روایات مصحف عایشه و حفصه را که دارای حرف «واو» هستند، حجت شیعه در برابر مخالفان مصداقیت نماز ظهر می داند (نیز نک: مجلسی، همان: ۲۸۷).

البته، باید دانست در مورد معدود کتب شیعه نیز از امام صادق<sup>(ع)</sup> یا امام باقر<sup>(ع)</sup>، قرائت آیه مورد بحث بدون حرف «واو» هم گزارش شده است (نک: قمی، همان؛ کلینی، همان؛ طوسی، ۱۴۰۶، همان و صدوق، بی تا، همان) که مجلسی، (۱۴۰۳، همان: ۲۸۵، ۱۳۶۳، همان: ۲۱ و ۱۴۰۶، همان) درصدد بر آمده است تا آن را با روش های معمول و مکرر در نقد و نقادی روایات، توجیه کند.

بدین ترتیب، به نظر می آید تلاش ستودنی دانشمندان شیعه و سنی برای معرفی مصداق «صلاة وسطی» و بیان تحلیل و دلیلی قابل اعتماد و دلگرم کننده برای مدعی خود، آن گونه که باید و شاید، کامیاب نبوده است و راه برای گشودن دوباره پرونده «صلاة وسطی» و جست و جوی افق هایی نو برای خروجی موفقیت آمیزتر از آنچه تاکنون به آن اشاره کرده ایم، همچنان باز باشد.

### پی نوشت

۱. ما در اینجا، پیش از آن که به نقد اقوال یاد شده بپردازیم و دلایل همچنان مفتوح ماندن پرونده این بحث را بیان کنیم، برای آگاهی هر چه بیشتر خوانندگان از گستردگی دامنه آن و توجه تاریخی محدثان، مفسران و فقها بدین مهم، تنها نام کسانی را که به نحوی در بحث مصداق یابی برای «صلاة وسطی»، در گیر بوده اند - جدا از آنچه تاکنون به لحاظ عناوین مصادر و منابع، نام برده ایم - یاد آوردی می کنیم: قمی (۱۳۸۷، ج ۱: ۷۹)، نیشابوری (۱۳۵۹، ج ۱: ۲۷۷)، ابن طاووس (۱۴۲۱: ۲۶۱-۲۶۴)، بیضاوی (۱۴۲۱، ج ۱: ۲۰۶)، نسفی (بی تا، ج ۱: ۱۲۱-۱۲۲)، ابن جزی (۱۴۰۳: ۶۱-۶۰)، اعقم (۱۴۱۱: ۵۲-۵۳)، جرجانی (۱۴۲۱، ج ۱: ۳۰۱-۳۰۲)، ثعالبی (۱۴۱۷، ج ۱: ۱۷۸-۱۷۹)، کاشفی (بی تا، ج ۱: ۹۲)، سیوطی و ابن المحلی (۱۴۰۲: ۵۲)، مهامی (۱۳۵۷، ج ۱: ۸۶)، ابوالسعود (بی تا، ج ۱: ۲۳۵)، خطیب شربینی (بی تا، ج ۱: ۱۵۶)، جمل (بی تا، ج ۱: ۱۹۴)، شریف کاشانی (۱۴۲۳، ج ۱: ۳۸۰-۳۸۱ و بی تا، ج ۲: ۴۶-۴۸)، بحرانی (بی تا، ج ۱: ۲۳۰-۲۳۱)، شریف لاهیجی (۱۳۶۳، ج ۱: ۲۳۱-۲۳۲)، حویزی (بی تا، ج ۱: ۲۳۷-۲۳۸)، حقی بروسوی

(بی‌تا، ج ۱: ۳۷۲-۳۷۳)، مشهدی (۱۴۰۷، ج ۱: ۵۶۹-۵۷۱)، آلوسی (بی‌تا، ج ۲: ۱۵۵-۱۵۷)، میرغنی (۱۳۹۹، ج ۱: ۴۶)، صدوق (۱۴۱۰: ۳۳۱-۳۳۲)، ثقفی تهرانی (بی‌تا، ج ۱: ۳۰۲)، سعیدحوی (۱۴۱۲، ج ۱: ۵۵۹)، زحیلی (۱۴۱۱، ج ۲: ۳۹۱-۳۹۲ و التفسیرالوجیز، ۱۴۱۷: ۴۰)، موسوی سبزواری (۱۴۱۸، ج ۴: ۸۱-۸۳ و ۸۸-۹۰)، طالقانی (بی‌تا، ج ۲: ۱۶۳-۱۶۴)، طیب (بی‌تا، ج ۲: ۴۸۶-۴۸۷)، طنطاوی مصری (۱۴۱۲، ج ۱: ۲۱۷-۲۱۸ و ۲۲۴)، عبدالجلیل عیسی (۱۴۱۰، ج ۱: ۴۷۵)، قرشی (۱۳۶۶، ج ۱: ۴۹۹)، سیدقطب (۱۳۹۱، ج ۱: ۳۷۷)، مراغی (بی‌تا، ج ۲: ۲۰۰)، جمعی از نویسندگان (۱۳۶۸، ج ۲: ۱۴۷)، جصاص (۱۳۶۸: ج ۱: ۴۴۲-۴۴۳)، استرآبادی (بی‌تا، ج ۱: ۹۱-۹۴)، حسینی عربشاهی (بی‌تا، ج ۱: ۹۵-۹۷)، جزائری (۱۴۰۴، ج ۱: ۸۳-۸۵)، خزایی (۱۳۶۱: ۳۴۳-۳۴۴)، کاظمی (۱۳۶۵، ج ۱: ۱۲۱-۱۲۵)، راوندی (۱۴۰۵، ج ۱: ۱۱۲-۱۱۳)، حلی (۱۴۲۰، ج ۴: ۱۵۷-۱۶۱)، مقدس اردبیلی (بی‌تا: ۴۹)، قشیری (۱۹۸۱، ج ۱: ۱۸۷)، ابن طائی (۱۴۱۰، ج ۱: ۳۵۹-۳۶۰)، جنابذی (۱۴۰۲، ج ۱: ۲۰۹-۲۱۰)، میبدی (۱۳۵۷، ج ۱: ۶۴۶)، عسقلانی (۱۴۱۰، ج ۷: ۵۱۵ و ج ۸: ۲۴۶)، مستملی بخاری (۱۴۱۴، ج ۴: ۱۵۰۹ و ۱۶۴۸)، سجستانی (۱۳۸۸، ج ۱: ۲۸۷)، عظیم‌آبادی (۱۳۹۹، ج ۲: ۷۸-۸۱)، کاندهلوی (۱۴۱۰، ج ۳: ۵۷-۴۸)، ابن‌عبدالبر (بی‌تا، ج ۴: ۲۷۳-۲۹۴)، عینی (بی‌تا، ج ۱۷: ۱۷۸)، قسطلانی (بی‌تا، ج ۶: ۳۲۶)، کرمانی (۱۴۱۰، ج ۱۶: ۳۴-۳۵ و ج ۱۷: ۴۰-۴۱)، مجلسی (بی‌تا، ج ۲: ۹-۱۰)، مجلسی (۱۳۶۳، ج ۱۵: ۲۱-۲۲).

## منابع

- ابن ابی داود، ابوبک (۱۴۰۵ق) کتاب المصاحف، اول، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن ادریس حلی، محمد بن احمد (۱۴۰۹ق) المنتخب، اول، قم، کتاب خانه آیت الله مرعشی نجفی.
- ابن جزئی، محمد بن احمد (۱۴۰۳ق) تفسیر ابن جزئی، بیروت، دارالکتب العربی.
- ابن جوزی، عبدالرحمن (۱۴۰۷ق) زاد المسیر، اول، بیروت، دارالفکر.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۲۱ق) سعد السواد، اول، قم، انتشارات دلیل.
- ابن عاشور، محمد طاهر (بی تا) التحریر و التنویر، ج ۲، بی جا، الدار التونسیه و الدار الجماهیریه.
- ابن عبدالبر، ابو عمر (بی تا) التمهید، ج ۴، مراکش، وزارة عموم الاوقاف والشؤون الاسلامیه.
- ابن عربی طائی، محیی الدین (۱۴۱۰ق) ایجاز البیان ج ۱، (چاپ شده در پانوش «رحمة من الرحمن» دمشق، بی تا).
- ابن عربی مالکی، ابوبکر (بی تا) احکام القرآن، ج ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن کثیر، اسماعیل (۱۴۰۷ق) تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، دوم، بیروت، دار المعرفه.
- ابو السعود، محمد بن محمد (بی تا) ارشاد العقل السلیم (تفسیر ابی السعود) ج ۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابو حیان اندلسی، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق) البحر المحیط، ج ۲، بیروت، دارالفکر.
- استرآبادی، محمد بن علی (بی تا) آیات الاحکام، ج ۱، تهران، کتاب فروشی معراجی.
- اسفراینی، ابوالمظفر (۱۳۷۵ش) تاج التراجم، اول، ج ۱، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- اعقم، احمد علی محمد علی (۱۴۱۱ق) تفسیر الاعقم، اول، صنعاء، دار الحکمة الیمانیه.
- آلوسی، محمود (بی تا) روح المعانی، ج ۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- امین، محسن (۱۴۰۳ق) اعیان الشیعه، ج ۶، بیروت، دار التعارف للمطبوعات.
- بحرانی، هاشم (بی تا) البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، دوم، تهران، بی تا.
- بخاری، ابو عبدالله (۱۴۱۴ق) صحیح البخاری، ج ۴، پنجم، دمشق و بیروت، دار ابن کثیر و الیمامه.
- بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۰۵ق) معالم التنزیل، بیروت، دارالفکر.
- بلاغی، محمد جواد (بی تا) آلاء الرحمن، ج ۱، دوم، قم، مکتبه الوجدانی.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۲۱ق) انوار التنزیل (تفسیر البیضاوی)، ج ۱، اول، بیروت و دمشق، دار الرشید و مؤسسة الایمان.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن مخلوف (۱۴۱۷ق) الجواهر الحسان، اول، بیروت و صیدا، شرکت ابناء شریف الانصاری.



- ثقفی تهرانی، میرزامحمد (بی تا) *روان جاوید*، ج ۱، دوم، تهران، انتشارات برهان.
- جرجانی، حسین بن حسن (۱۳۷۸ق) *جلاءالاذهان* (تفسیرگازر)، اول، بی جا، بی نا.
- جزائری، احمد (۱۴۰۴ق) *قلائدالدرر*، ج ۱، دوم، بیروت، مؤسسة الوفاء.
- جصاص، احمد بن علی (۱۳۶۸ش) *احکام القرآن*، ج ۱، اول، بیروت، دارالکتب الاسلامی.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۶۸ش) *تفسیر نمونه*، ج ۲، بیست و یکم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- جمل، سلیمان بن عمر (بی تا) *الجمال علی الجلالین*، ج ۱، استانبول، دارقهرمان.
- جنابذی، سلطان محمد (۱۴۰۲ق) *بیان السعاده*، ج ۱، دوم، بیروت، مؤسسة الاعلمی.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۲ق) *وسائل السیعه*، ج ۳، ششم، تهران، المکتبه الاسلامیه.
- حسن بصری، ابن ابی الحسن (بی تا) *تفسیر الحسن البصری*، ج ۱، قاهره، دارالحدیث.
- حسین عربشاهی، ابوالفتح (بی تا) *تفسیر شاهی*، ج ۱، تبریز، بی نا.
- حقی بروسوی، اسماعیل (بی تا) *روح البیان*، ج ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق) *مختلف الشیعه*، ج ۲، اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ق) *منتهی المطلب*، ج ۴، اول، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی
- حویزی، عبدعلی بن جمعه (بی تا) *تفسیر نورالثقلین*، ج ۱، دوم، قم، بی نا.
- خازن، علی بن محمد (بی تا) *لباب التأویل*، ج ۱، بی جا، دارالکتب العربیه الکبری.
- خزائلی، محمد (۱۳۶۱ش) *احکام قرآن*، پنجم، تهران، سازمان انتشارات جاویدان.
- خطیب شریینی، محمد (بی تا) *السراج المنیر*، ج ۱، دوم، بیروت، دارالمعرفه.
- ذهبی، شمس الدین (۱۴۰۶ق) *سیر اعلام النبلاء*، ج ۱۷، چهارم، بیروت، مؤسسة الرساله.
- رازی، ابوالفتوح (۱۳۷۰ش) *روض الجنان*، ج ۳، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- راوندی، قطب الدین (۱۴۰۵ق) *فقه القرآن*، ج ۱، دوم، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی
- رشیدرضا، محمد (بی تا) *المنار*، دوم، بیروت، دارالمعرفه.
- زحیلی، وهبه (۱۴۱۱ق) *التفسیر المنیر*، ج ۲، اول، بیروت و دمشق، دارالفکر و دارالفکر المعاصر.
- زحیلی، وهبه (۱۴۱۷ق) *التفسیر الوجیز*، اول، دمشق، دارالفکر.
- زمخشری، محمود بن عمر (بی تا) *الکشاف*، بیروت، دارالکتب العربی.
- سبزواری، محمد (۱۴۰۲ق) *الجدید فی تفسیر القرآن المجید*، ج ۱، اول، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- سجستانی، ابوداود (۱۳۸۸ق) *سنن ابی داود*، ج ۱، اول، حمص، دارالحدیث.
- سعید حوی (۱۴۱۲ق) *الاساس فی التفسیر*، ج ۱، سوم، قاهره، دارالسلام.

- سید قطب (۱۳۹۱ق) فی ظلال القرآن، ج ۱، هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۳ق) الدر المنثور، ج ۳، اول، بیروت، دار الفکر.
- سیوطی، جلال الدین (بی تا) الاکلیل فی استنباط التنزیل (بی تا) بیروت، دار الکتب العلمیه.
- سیوطی وابن المحلی، جلال الدین و محمد بن احمد (۱۴۰۲ق) تفسیر الجلالین، بیروت، دار المعرفه.
- شافعی، محمد بن ادریس (۱۴۰۰ق) احکام القرآن، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- شبر، عبدالله (۱۴۱۴ق) تفسیر القرآن الکریم، اول، بی جا، انتشارات اسوه.
- شریف کاشانی، فتح الله (۱۴۲۳ق) زیده التفاسیر، ج ۱، اول، قم، موسسه معارف اسلامی.
- شریف کاشانی، فتح الله (بی تا) منهج الصادقین (بی تا) ج ۲، تهران، انتشارات علمیه.
- شریف لاهیجی، محمد بن شیخ علی (۱۳۶۳ش) تفسیر شریف لاهیجی، ج ۱، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی.
- شوکانی، محمد بن (۱۴۱۹ق) علی نیل الاوطار، اول، بیروت، دار المعرفه.
- شوکانی، محمد بن علی (بی تا) فتح القدير، ج ۱، بیروت، دار المعرفه.
- صدوق، ابو جعفر (۱۴۱۰ق) معانی الاخبار، اول، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- صدوق، ابو جعفر (بی تا) کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۱، دوم، قم، موسسه نشر اسلامی.
- طالقانی، محمود (بی تا) پرتوی از قرآن، ج ۲، سوم، بی جا، شرکت سهامی انتشار.
- طباطبائی، محمد حسین (۱۴۱۴ق) جوامع الجامع، سوم، قم، دانشگاه تهران و مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- طباطبائی، محمد حسین (۱۴۱۵ق) المیزان، سوم، ج ۲، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، ابوعلی (۱۴۱۴ق) جوامع الجامع، ج ۳، قم، دانشگاه تهران و مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- طبرسی، ابوعلی (۱۴۱۵ق) مجمع البیان، اول، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبری، ابو جعفر (۱۴۲۰ق) جامع البیان (تفسیر الطبری)، ج ۲، سوم، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- طنطاوی مصری، ابن جوهری (۱۴۱۲ق) الجواهر، ج ۱، چهارم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- طوسی، ابو جعفر (۱۴۰۶ق) تهذیب الاحکام، ج ۲، سوم، بیروت، دار الاضواء.
- طوسی، ابو جعفر (۱۴۰۷ق) الخلاف، ج ۱، قم، موسسه نشر اسلامی.
- طوسی، ابو جعفر (بی تا) التبیان، ج ۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- طیب، عبدالحسین (بی تا) اطیب البیان، ج ۲، تهران، کتاب فروشی اسلام.
- عبد الجلیل عیسی (۱۴۱۰ق) المصحف المسیر، ج ۱، ششم، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- عسقلانی، ابن حجر (۱۳۹۴ق) فتح الباری، اول، بیروت، دار الکتب العلمیه.

- عظیم‌آبادی، ابوالطیب (۱۳۹۹ق) *عون‌المعبود*، ج ۲، سوم، بیروت، دارالفکر.
- عیاشی، محمدبن مسعود (۱۴۱۱ق) *تفسیرالعیاشی*، اول، بیروت، مؤسسة‌الاعلمی للمطبوعات.
- عینی، بدرالدین (بی‌تا) *عمدة‌القاری*، ج ۱۷، بیروت، داراحیاء‌التراث‌العربی.
- فاضل‌مقداد، ابن‌عبدالله‌سیوری (۱۴۱۹ق) *کنز‌العرفان*، ج ۱، اول، قم، مجمع‌جهانی‌تقریب‌بین‌المذاهب‌الاسلامیه.
- فخررازی، محمدبن‌عمر (۱۴۱۵ق) *التفسیر‌الکبیر*، اول، بیروت، داراحیاء‌التراث‌العربی.
- فیض‌کاشانی، محمدحسن (۱۴۱۸ق) *الاصفی*، اول، قم، دفتر‌تبلیغات‌اسلامی.
- فیض‌کاشانی، محمدحسن (بی‌تا) *تفسیر‌الصافی*، ج ۱، اول، بی‌جا، دارالمرئض.
- قاسمی، محمدجمال‌الدین (۱۳۹۸ق) *محاسن‌القأویل (تفسیر‌القاسمی)*، دوم، بیروت، دارالفکر.
- قرائتی، محسن (۱۳۷۹ ش) *تفسیر‌نور*، پنجم، قم، در‌راه‌حق.
- قرشی، علی‌اکبر (۱۳۶۶ش) *احسن‌الحديث*، ج ۱، اول، تهران، واحد‌تحقیقات‌اسلامی.
- قرطبی، محمدبن‌احمد (بی‌تا) *الجامع‌لاحکام‌القرآن*، ج ۲، بیروت، داراحیاء‌التراث‌العربی.
- قسطلانی، احمدبن‌محمد (بی‌تا) *ارشاد‌الساری*، ج ۶، بیروت، داراحیاء‌التراث‌العربی.
- قسطلانی، احمدبن‌محمد (بی‌تا) *المواهب‌الدنیه*، ج ۱، بیروت، دارالکتب‌العلمیه.
- قشیری، عبدالکریم‌بن‌هوازن (۱۹۸۱م) *لطائف‌الاشارات*، ج ۱، دوم، بی‌جا، هیئة‌المصرية‌العامة‌الکتاب.
- قمی، علی‌بن‌ابراهیم (۱۳۸۷ق) *تفسیر‌القمی*، ج ۱، دوم، بیروت، بی‌نا. (افست‌موسسه‌دار‌الکتاب، سوم، قم، ۱۴۰۴ق)
- کاشفی، حسین‌بن‌علی (بی‌تا) *مواهب‌علمیه (تفسیر‌حسین)*، تهران، اقبال.
- کاظمی، جواد (۱۳۶۵ش) *مسالك‌الافهام*، ج ۱، دوم، تهران، انتشارات‌مرتضوی.
- کاندهلوی، محمدزکریا (۱۴۱۰ق) *اوجز‌المسالک*، ج ۳، بیروت، دارالفکر.
- کرمانی، محمدبن‌یوسف (۱۴۱۰ق) *صحیح‌الخبرای بشرح‌الکرمانی*، ج ۱۶ و ۱۷، دوم، بیروت، داراحیاء‌التراث‌العربی.
- کلینی، محمدبن‌یعقوب (۱۴۰۶ق) *الکافی*، ج ۳، بیروت، دارالاضوار.
- مالک‌بن‌انس، ابو‌عبدالله (۱۴۰۶ق) *الموطأ*، بیروت، داراحیاء‌التراث‌العربی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳ش) *مرآة‌العقول*، ج ۱۵، اول، تهران، دارالکتاب‌الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق) *بحار‌الانوار*، ج ۷۹ و ۸۶، سوم، بیروت، داراحیاء‌التراث‌العربی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۶ق) *ملاذ‌الاخيار*، ج ۴، قم، کتاب، خانة‌آیت‌الله‌مرعشی‌نجفی.
- مجلسی، محمدتقی (بی‌تا) *روضه‌المتقین*، بی‌جا، بنیاد‌فرهنگ‌اسلامی.
- مدرسی، محمدتقی (۱۴۰۶ق) *من‌هدی‌القرآن*، ج ۲، بی‌جا، دارالمهدی.

- مراغی، احمد مصطفی (۱۹۸۵م) *تفسیر المراغی*، ج ۲، دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مسلم بن الحجاج، ابوالحسین (۱۳۹۸ق) *صحیح مسلم*، دوم، بیروت، دار الفکر.
- مشهدی، میرزا محمد (۱۴۰۷ق) *کنز الدقائق*، ج ۱، قم، موسسه نشر اسلامی.
- معنیه، محمد جواد (۱۹۶۸م) *التفسیر الکاشف*، ج ۱، اول، بیروت، دار العلم للمللیین.
- مقدس، اردبیلی (بی تا) احمد، *زبدۃ البیان*، تهران، انتشارات مرتضوی.
- مهایمی، علی بن احمد (۱۳۵۷ ش) *تبصیر الرحمن*، ج ۱، دوم، بیروت، تهران، امیر کبیر.
- موسوی سبزواری (۱۴۱۸ق) *مواهب الرحمن*، ج ۴، سوم، بی جا، دفتر آیت الله سبزواری.
- میبدی، رشیدالدین (۱۳۵۷ش) *کشف الاسرار*، سوم، تهران، امیر کبیر.
- میرغنی، محمد عثمان (۱۳۹۹ق) *تاج التفاسیر*، ج ۱، بیروت، دار المعرفه.
- نفسی، عبدالله بن احمد (بی تا) *مدارک التنزیل (تفسیر النفسی)*، ج ۱، بی جا، دار احیاء الکتب العربیه.
- نووی، یحیی بن شرف (۱۴۰۷ق) *شرح صحیح مسلم*، ج ۵، اول، بیروت، دار القلم.
- نیشابوری، محمد بن محمود (۱۳۵۹ش) *تفسیر بصائریمینی*، ج ۱، بی جا، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- یزدی، محمد (۱۳۷۴ش) *فقه القرآن*، اول، قم، موسسه اسماعیلیان.